

روزنامه مستقل

دنیای هوادار

www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

سه شنبه ۱۳ خرداد ماه ۱۴۰۴

شماره ۱۸۲۷



فراخوان مناقصه ۱۴۰۴/۰۱

اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان البرز

فراخوان انتخاب پیمانکار تامین نیروی انسانی

خدمات و پذیرای خود را به شماره سیستمی

۲۰۰۴۰۰۵۲۹۴۰۰۰۰۱ از طریق سامانه تدارکات

الکترونیکی دولت؛ شرح کامل در صفحه ۲

شناسه ۱۹۴۳۶۶۹

روایت یک زخم باز در قلب کرج؛

۱۱ سال سکوت و ۱۵۰۰ میلیارد برای بیداری!

فرافکنی شما از هر گودالی
مخربتر است جناب کیانی؛

آقای شهردار گود را ببند، نه دهان رسانه‌ها را!

در قلب شلوغ و پررفت و آمد کرج، یک گودال عمیق سال‌هاست مثل زخمی باز، وسط چهره‌ی شهر رها شده؛ نه مرهمی بر آن نهشته، نه تصمیمی برای درمانش گرفته شده. «گود حصارک» دیگر فقط یک زمین فرورفته یا پروژه‌ای نیمه‌کاره نیست؛ حالا یک تهدید جدی، یک بمب خوابیده در دل بافت شهری‌ست که هر لحظه ممکن است بیدار شود. مردم با نگرانی از کنار آن عبور می‌کنند، ساختمان‌ها با لرزشی ناپیدا در کنارش ایستاده‌اند، اما در اتاق‌های مدیریت شهری، صدایی جز ناله‌ی گلایه و واگذاری مسئولیت شنیده نمی‌شود. بجای آنکه شهرداری کرج دست بالا را بگیرد و از موضع قانون، امنیت و مسئولیت اجتماعی وارد میدان شود، شهردار با لحنی شاک، توپ را به زمین رسانه‌ها می‌اندازد. چرا؟ چون رسانه‌ها سکوت نکردند؟ چون خطر را به زبان آوردند؟ چون صدای مردم شدند؟ ادامه در صفحه ۲

یاد و خاطره شهدا، به ویژه «شهید محمد مهدوی امشی» که ۸ بهمن ۶۶ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرامی باد



سرمقاله

به یاد معمار انقلاب؛

تحول خواهی که تاریخ

رادگرگون کرد

فرتوش قرچه گوزلو

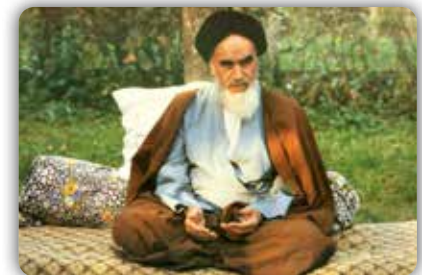
چند شخصیت در قرن بیستم را می‌توان یافت که نه فقط تحولی بنیادین در سرنوشت ملت خود، بلکه در هندسه سیاست جهانی ایجاد کرده باشند؟ امام خمینی بی‌تردید یکی از این معدود افراد است؛ رهبری که در جهانی سرشار از ساختارهای سخت و تثبیت‌شده، با دستی خالی و ایمانی راسخ، گفتمان سیاسی تازه‌ای را بنا نهاد. اما آنچه فراتر از رهبری سیاسی یا شجاعت شخصی او قرار می‌گیرد، «روح تحول خواهی و تحول‌آفرینی» اوست؛ ویژگی‌ای که نمتنها انقلاب اسلامی را ممکن ساخت، بلکه آن را به الگویی فراتر از مرزها بدل کرد.

تحول خواهی در منظومه فکری امام، صرفاً به معنای شورش علیه وضع موجود نبود؛ بلکه حرکتی عمیق، آگاهانه و هدفمند برای عبور از رکود، رخوت و بی‌افقی زمانه بود. امام، نخست در خودش تحول ایجاد کرد: از جوانی اهل فلسفه و عرفان تا مرجعی سیاسی که هیچ‌گاه دین را از جامعه جدا نمی‌دید. این «تحول در خود»، مقدمه‌ای شد برای «تحول در امت».

ایشان برخلاف بسیاری از اندیشمندان و مصلحان اجتماعی که در نظریه باقی می‌مانند، کوشید تا آنچه در ذهن داشت را به ساحت واقعیت منتقل کند. او برنامه‌ریزی داشت، با افق بلندمدت فکر می‌کرد، مقتضیات سیاسی و اجتماعی را تحلیل می‌کرد و برای مواجهه با موانع، راهبردهایی عملی در آستین داشت. به تعبیر مقام معظم رهبری، این ویژگی امام، نقطه تمایز او با بسیاری از شخصیت‌های مؤمن و انقلابی دیگر است: او فقط باور نداشت، بلکه می‌دانست چگونه آن باور را محقق کند.

ایمان امام، نه نوعی آرامش منفعلانه، بلکه موتور محرکه‌ای بود برای ایستادن در برابر نظام شاهنشاهی، برای اخراج مستشاران بیگانه، و برای گشودن افق‌هایی نو در اندیشه اسلامی. او از تردید در هدف‌هایش رنج نمی‌برد. حتی در روزهایی که در تبعید بود، یا در واپسین سال‌های عمرش، آن‌گاه که نگاه‌ها به سوی آرامش و محافظه‌کاری می‌رفت، همچنان از «انقلاب در انقلاب» سخن می‌گفت. یعنی معتقد بود هر ساختاری - حتی ساختاری که خودش بنیان‌گذارش بود - باید دائماً در معرض بازاندیشی و پالایش قرار گیرد.

امروز، در سالگرد ارتحال او، باید از خود پرسیم: با این میراث چه کرده‌ایم؟ آیا از آن روح تحول خواهی فقط یک تصویر آرمانی ساخته‌ایم؟ یا آن را همچنان به مثابه الگو و محرک فهمیده‌ایم؟ مهم‌تر از گرامیداشت سالروز، پاسداشت سلوک امام در مقام «تحول‌آفرین» است؛ کسی که تغییر را نه فقط در کلمات، بلکه در زمین و زمان خود حک کرد.



سفیر پاکستان در تهران از عملکرد پلیس ایران تمجید کرد

«محمد مدثر تیپو» -سفیر پاکستان در تهران- با تمجید از همکاری صمیمانه و اقدام قاطع پلیس جمهوری اسلامی ایران علیه باندهای دخیل در قاچاق انسان، تاکید کرد که همکاری‌های دو کشور در مهار این پدیده شوم قوی‌تر می‌شود. وی با انتشار پیامی اظهار داشت: از دولت و پلیس ایران به خاطر اقدام قاطع علیه قاچاقچیان انسان که منجر به آزادی ۱۰ تبعه پاکستانی شد، عمیقاً سپاسگزاریم. همه این افراد (اتباع پاکستانی آزاد شده) در سلامت و تحت حفاظت سفارت هستند و برای بازگشت آنان به پاکستان مقدمات لازم را فراهم می‌کنیم. وی با تاکید بر تحکیم همکاری‌های مشترک ایران و پاکستان برای مهار پدیده شوم قاچاق انسان، از همکاری مسئولان ایران تمجید کرد و گفت: پلیس ایران باندهای جنایتکار دخیل در این عمل شنيع را دستگیر کرده است.



رویداد

دنیای سوادار

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۴ شماره ۱۸۲۷

داستان جلد

فراقتنی شما از هر کودالی مخرب‌تر است جناب کیانی؛

آقای شهردار، گود را ببند، نه دهان رسانه‌ها را!

مهرداد تیموری

در قلب شلوغ و پررفت‌وآمد کرج، یک گودال عمیق سال‌هاست مثل زخمی باز، وسط چهره‌ی شهر رها شده؛ نه مرهمی بر آن نشسته، نه تصمیمی برای درمانش گرفته شده. «گود حصارک» دیگر فقط یک زمین فرورفته یا پروژه‌ای نیمه‌کاره نیست؛ حالا یک تهدید جدی، یک بمب خوابیده در دل بافت شهری‌ست که هر لحظه ممکن است بیدار شود. مردم با نگرانی از کنار آن عبور می‌کنند، ساختمان‌ها با لرزشی ناپیدا در کنارش ایستاده‌اند، اما در اتاق‌های مدیریت شهری، صدایی جز ناله‌ی گلابیه و واگذاری مسئولیت شنیده نمی‌شود. بجای آنکه شهرداری کرج دست بالا را بگیرد و از موضع قانون، امنیت و مسئولیت اجتماعی وارد میدان شود، شهردار با لحنی شاکي، توپ را به زمین رسانه‌ها می‌اندازد. چرا؟ چون رسانه‌ها سکوت نکردند؟ چون خطر را به زبان آوردند؟ چون صدای مردم شدند؟

شهردار از «پروپاگاندای رسانه‌ای» می‌نالَد؛ گویی هشدار، مطالبه‌گری و افشاگری، گناه رسانه است، نه وظیفه‌اش. اما پرسش کلیدی اینجاست: آیا رسانه‌ها بحران آفرینند یا تنها نورافکنی شدند بر گودالی که سال‌ها زیر سایه‌ی مماشات، پنهان مانده بود؟ در واقع، آنچه امروز در حصارک دهان باز کرده، فقط یک گود نیست؛ شکاف میان مسئولیت‌پذیری و فراقتنی‌ست، میان امنیت عمومی و سیاست‌ورزی کوتاهمدت. این ماجرا، آزمون صداقت مدیرانی‌ست که هنوز فرق بین رسانه و دشمن را نمی‌دانند.

از انکار خطر تا انگ زدن به هشداردهندگان

در صحن علنی شورای شهر، مهرداد کیانی، شهردار کرج، از واژه‌ی «پروپاگاندای رسانه‌ای» برای توصیف گزارش‌هایی استفاده کرد که درباره گود خطرآفرین حصارک منتشر شده بود. او مدعی شد که این فضای رسانه‌ای باعث شد مالک زمین تصور کند شهرداری متعهد به پرداخت هزینه‌های ایمن‌سازی شده است! اما پرسش کلیدی اینجاست: مگر نه

اینکه یکی از وظایف اصلی مدیریت شهری، شفاف‌سازی و اقناع افکار عمومی برای اقدامات لازم جهت تأمین امنیت شهر است؟ اگر رسانه‌ها سکوت کرده بودند، آیا شهرداری تا این حد وادار به واکنش می‌شد؟ و اگر شهردار بجای اینکه از رسانه‌ها دلخور باشد، از آن‌ها به‌عنوان ابزار فشار مدنی برای اجبار مالک و تسریع پرونده استفاده می‌کرد، شاید امروز وضعیت به گونه‌ای دیگر رقم خورده بود.

طبق مقررات، شهرداری‌ها موظف‌اند در صورت شناسایی یک گود پرخطر، برای ایمن‌سازی آن از مسیر قانونی و قضایی وارد عمل شوند. یعنی این اختیار وجود دارد که با حکم قضایی، مالک را وادار به انجام اقدامات ایمنی کنند. اما تا امروز هیچ گزارش موثقی مبنی بر تلاش حقوقی جدی در این زمینه ارائه نشده است. در عوض، ارقام بزرگی مثل «۱۵ میلیارد تومان به‌عنوان هزینه‌ی ایمن‌سازی مطرح می‌شود، بدون اینکه برنامه‌ای برای تأمین آن ارائه شود. از طرف دیگر، تنها اقدامی که انجام شده، صرف هزینه‌ای در حد ۸۰ میلیون تومان است؛ رقمی که خود شورا نیز اذعان دارد نه تأثیر عملی داشته و نه بازگشت‌پذیر است. این تناقض میان اعداد و اقدامات، شائبه‌ی سردرگمی یا حتی بی‌عملی مزمن را تقویت می‌کند.

بدجستار یا امنیت شهری؟

طرح مسئله گود حصارک، حالا دیگر فقط یک پروژه‌ی نیمه‌کاره و خطرناک نیست. به‌شکل نمادین، به پرسشی درباره نسبت قدرت، سرمایه و مسئولیت در مدیریت شهری بدل شده است. اینکه یک سرمایه‌گذار بزرگ، مالک زمینی باشد که جان صدها نفر را تهدید می‌کند، اما شهرداری به جای مطالبه‌ی قاطع، صرفاً درگیر مذاکرات کش‌دار و بی‌سرانجام باشد، دقیقاً به این معناست که مناسبات مالی بر اولویت‌های امنیتی غلبه یافته‌اند. نکته مهم‌تر آنکه، در صحبت‌های اخیر شهردار، هیچ اشاره‌ای به جدول زمان‌بندی، برنامه‌های اضطراری یا تعامل جدی با نهادهای بالادستی برای تأمین منابع یا اجرای حکم قضایی وجود نداشت. بجای آن، اتهام‌زنی به رسانه‌ها، تلاش برای تغییر



زمین بازی است؛ از پاسخگویی به فرار از مسئولیت.

رسانه‌ها، دشمن نیستند جناب شهردار؛ شریک هشدارند
اگر رسانه‌ها نبودند، گود حصارک در افکار عمومی زنده می‌ماند؟ اگر نماینده ولی‌فقیه در استان و استاندار وارد عمل نمی‌شدند، آیا مدیریت شهری باز هم سکوت را می‌شکست؟ آیا بجای تحقیر هشداردهندگان، بهتر نبود شهردار از رسانه‌ها برای افزایش فشار اجتماعی و مطالبه‌گری کمک می‌گرفت؟ رسانه‌ها نه مزاحمند، نه رقیب؛ آن‌ها بلندگوی جامعه‌ای‌اند که از بالاترین بی‌پناهی خسته شده. آن‌ها پرسشگرند، چون وظیفه دارند صدای مردم را به گوش حاکمیت برسانند. بنابراین حمله به رسانه‌ها، چیزی جز پاک کردن صورت مسئله و تقلیل بحران به یک بازی رسانه‌ای نیست.

بزرگترین خطر گود حصارک، شاید فروریزش فیزیکی آن نباشد، بلکه نشانه‌ای است از فروپاشی اعتماد عمومی به نظام مدیریت شهری. این ماجرا آزمونی است برای سنجش صداقت مدیران در اولویت‌بخشی به جان شهروندان در برابر مناسبات پشت‌پرده. اینکه شهرداری‌ها زمین‌های تحت اختیارشان را «بدون تشریفات» به برخی افراد خاص واگذار کرده‌اند، خاطره‌ی تلخی است که باعث می‌شود شهروندان با دیده تردید به تمامی وعده‌ها نگاه کنند. اگر امروز از ایمن‌سازی این گود سرباز زده شود، فردا با چه توجیهی می‌توان درباره «حق سکونت ایمن»، «عدالت شهری» یا حتی «برنامه‌های توسعه پایدار شهری» حرف زد؟ مسئله دیگر تنها یک زمین فرورفته نیست؛ مسئله، غرور شهری است که هر روز بیشتر در خاک دفن می‌شود.



مناقصه عمومی یک مر حله ای / فراخوان مناقصه ۱۴۰۴/۰۱

اداره کل بنیاد شهید وامورایثارگران استان البرز در نظر دارد فراخوان انتخاب پیمانکار تامین نیروی انسانی خدمات و پذیرای خود را به شماره سیستمی ۲۰۰۴۰۰۵۲۹۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت بر خط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند. مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

- مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

- مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۴/۰۳/۲۷

- زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۴/۰۳/۲۷ ساعت ۱۰ صبح

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ضمانت نامه بانکی ویا فیش واریزی به مبلغ ۹,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال طبق اطلاعات مندرج در سامانه

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: تلفن: ۰۲۶۳۲۵۴۷۴۷۶ کرج، میدان طالقانی، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب شورای

حل اختلاف شناسه ۱۹۴۳۶۶۹

۱۱ سال سکوت و ۱۵۰۰ میلیارد برای بیداری!

یاسمن یزدانی

در دل شهری که هر روز بزرگتر می‌شود و بلندمرتبه‌تر، گودالی ۱۵۰ متری با عمق ۱۰ متر، همچنان باز مانده است؛ نه به‌عنوان پروژه‌ای در دست اجرا، بلکه به‌مثابه زخمی باز در کالبد شهری که نفس می‌کشد اما با اضطراب. «گودال حصارک» نه‌تنها نماد یک پروژه نیمه‌کاره، بلکه نمونه‌ای عینی از تعلیق مسئولیت، فقدان اراده، و بی‌توجهی به حقوق ساکنان شهری است که یازده سال با ترس فروریزش زندگی کرده‌اند.

شهرداری کرج بالاخره پس از سال‌ها پیگیری و هشدار، با تصویب بودجه‌ای ۱۵۰۰ میلیارد ریالی، مسئولیت ایمن‌سازی این گودال را بر عهده گرفت. این تصمیم اگرچه دیرنگام، اما حیاتی و سرنوشت‌ساز است. اما پرسش اصلی اینجاست: چرا یک گودال، ۱۱ سال باید باقی بماند تا اراده‌ای عمومی برای ایمن‌سازی‌اش شکل بگیرد؟ ۷۲ خانوار اطراف این گودال، از سال ۱۳۹۳ تا امروز، نه با امید ساخت‌وساز، بلکه با ترس ترک‌های تازه روی دیوار خانه‌هایشان زندگی کرده‌اند. این گودال برای آن‌ها فقط یک زمین فرورفته نیست؛ بلکه شکافی است میان «وعده» و «واقعیت»، میان مالکیت خصوصی و مسئولیت عمومی. خانه‌هایی که دیوارهایشان ترک برداشته، دیگر فقط نیازمند گچ و رنگ نیستند؛ بلکه به ترمیم اعتماد شهروندی و جبران آسیب‌های حقوقی، روانی و اجتماعی نیاز دارند. سکوت فروشگاه رفاه به‌عنوان مالک این پروژه، و ناتوانی نهادهای نظارتی در الزام‌آوری قانونی، سبب شده است تا بار ناامنی بر دوش شهروندان باقی بماند.

قانون هست، اما ضمانت اجرا کجاست؟

شهرداری براساس بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها (که به مسئولیت‌های اضطراری در مواقع خطر اشاره دارد) وارد عمل شده است. اما همین بند، پرسشی مهم را پیش می‌کشد: آیا قانون نباید ضمانت اجرایی قوی‌تری برای اجبار مالکان متخلف، پیش از رسیدن به مرحله خطر جانی فراهم کند؟ اینکه یک پروژه خصوصی بتواند سال‌ها زمین شهری را اشغال کرده، خطرآفرین باشد و پاسخ‌گو هم نباشد، نشانه ضعف نظارت نهادهای است، نه فقط یک قصور فردی.

شهرداری حالا با صراحت اعلام کرده هزینه‌ها را از مالک طلب خواهد کرد، با ۱۵ درصد سود. اما تجربه ما نشان می‌دهد در بسیاری از موارد، پیگیری این هزینه‌ها به پیچ‌وخم‌های قضایی و فرسایش اداری ختم می‌شود، نه به بازگشت واقعی منابع عمومی.

این گودال، پیش از اینکه محل تخریب خاک باشد، محل تخریب اعتماد بوده است. این موضوع نه‌تنها باید در جلسات شورا، بلکه در افکار عمومی و صفحات اول رسانه‌ها بازتاب می‌یافت. خوشبختانه رسانه‌هایی چون ایرنا، در کنار تذکرات صریح امام جمعه و دستور استاندار، این بار به واکنشی واقعی ختم شدند؛ اما چرا باید همیشه رسانه و خطبه‌های نماز جمعه و فشار افکار عمومی به‌جای سازوکار قانونی وارد عمل شوند؟ چرا مدیریت بحران در ایران بیشتر «واکنش‌محور» است تا «پیشگیرانه»؟

مشکل گود حصارک نه‌فقط در آغاز ناکامش که در «بی‌پایانی» آن است. هیچ برنامه‌زمانی شفاف، جدول پیشرفت، یا چارچوب پاسخ‌گویی رسمی برای پرکردن و ایمن‌سازی گودال اعلام نشده است. همین امروز هم، مشخص نیست این ۱۵۰۰ میلیارد ریال، در چه بازه زمانی، با چه پیمانکاری، و با چه نوع مصالحی قرار است صرف شود. اگر قرار است مصوبه شورا محرکی برای مالک باشد، باید بدنه نظارتی شورا و رسانه‌ها بر تک‌تک مراحل این ایمن‌سازی نظارت داشته باشند. شهری که زیر پای شهروندانش ترک می‌خورد، باید بالای سرشان نظارت مستمر داشته باشد.

اختصاص ۴۰۰ تن سهمیه قیر رایگان به بافت‌های فرسوده

علی فروغی، با اشاره به تداوم اجرای عملیات آسفالت ویژه بافت‌های فرسوده شهری و محلات هدف مناطق کم‌برخوردار شهر کرج، اظهار کرد: در اواخر سال گذشته ۴۰۰ تن قیر رایگان از محل سهمیه بازآفرینی، توسط اداره کل راه و شهرسازی استان البرز و شرکت بازآفرینی شهری کشور، به کرج اختصاص پیدا کرد. وی با اشاره به اهمیت ارتقای کیفیت زندگی و بازآفرینی محلات هدف، افزود: با اقدامات صورت گرفته از سوی سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری کرج و حضور در جلسات کمیته تخصیص قیر استان و تعامل و هم‌افزایی با اداره کل راه و شهرسازی، ۴۰۰ تن قیر رایگان به منظور تولید و پخش آسفالت در معابر واقع در محلات بافت فرسوده به شهرداری کرج اختصاص داده شده است.



دنیای سوادادار

۳ در شهر

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۲۷

از «البرز» چه خبر؟

رئیس شورای اسلامی شهر کرج؛

اندیشه امام خمینی (ره) و هدایت مقام معظم رهبری چراغ راه ملت است



محمدی بیان کرد: پانزدهم خرداد نیز یادآور قیام مردمی ایران علیه رژیم طاغوت است؛ قیامی که امام خمینی (ره) را به تبعید واداشت، اما جرعه‌ای برای آغاز انقلاب بزرگ قرن محسوب می‌شود. وی خاطرنشان کرد: این روز نشان‌دهنده عزم و اراده ملت ایران در مقابله با ظلم و فساد است که هرگز تسلیم نخواهند شد. امروز نیز این تفکر و اندیشه به رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، استوارتر و مقتدرتر از گذشته در میان آحاد ملت جریان دارد.

محمدی بیان کرد: در این ایام، مسئولیت ماست که راه امام را ادامه دهیم و در کنار رهبری، با اتحاد و همبستگی، برای تحقق عدالت، استقلال واقعی کشور و عبور از چالش‌های پیش رو تلاش کنیم.

رئیس شورای اسلامی شهر کرج با تأکید بر جایگاه والای امام خمینی (ره) و قیام ۱۵ خرداد، بر ضرورت ادامه مسیر انقلاب و همبستگی ملی برای تحقق عدالت و استقلال کشور تأکید کرد.

مسعود محمدی در دویست و هشتمین جلسه رسمی شورای اسلامی شهر کرج اظهار کرد: در آستانه روزهای ۱۴ و ۱۵ خردادماه، یاد و خاطره امام خمینی (ره) را گرامی می‌داریم؛ رهبر عظیمی که با هدایت انقلاب اسلامی، نه تنها ایران بلکه جهان اسلام را بیدار کرد.

رئیس شورای اسلامی شهر کرج افزود: چهاردهم خرداد، سالروز رحلت امام خمینی (ره) است، اما اندیشه‌ها و آرمان‌های ایشان همچنان در قلب ملت ما زنده و پویا باقی است.

با هنر می‌توان شهر را زیباتر و مردم را امیدوارتر کرد

زمانی زیبا خواهد شد که هنر را وارد همه عرصه‌ها کنیم؛ از طراحی پل و نما تا ارائه خدمات؛ هر سازه‌ای می‌تواند با چاشنی هنر به یک اثر ماندگار شهری تبدیل شود. هنر، زمختی‌های زندگی شهری را می‌گیرد و بُعد انسانی و زیبایی‌شناسانه به شهر می‌بخشد.

نایب‌رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر کرج با اشاره به اهمیت رسانه در پوشش هنرمندانه رویدادهای شهری افزود: رسانه وقتی درباره افتتاح یک پروژه می‌نویسد، اگر با نگاه هنری همراه باشد نتیجه‌اش امیدآفرینی است و باید در گزارش عملکرد به مردم، از زبان هنر استفاده کرد؛ این همان توصیه‌ای است که رهبر انقلاب نیز بر آن تأکید داشتند.

رحیمی در پایان با اشاره به ظرفیت بالای انجمن‌های هنری البرز، از نهادهای فرهنگی و اجرایی استان خواست تا حمایت خود را از این انجمن‌ها افزایش دهند و تصریح کرد: پارلمان و مدیریت شهری امروز بیش از هر زمان دیگری در کنار هنرمندان است و دغدغه هنر دارند و از برگزاری چنین جشنواره‌هایی استقبال می‌کنند.



شکل‌گیری یک جشنواره ملی عکاسی با محوریت هویت بومی و فرهنگی کرج مطرح شد که امروز با همت اداره کل ارشاد اسلامی، شورای اسلامی شهر، شهرداری کرج و انجمن‌های هنری، به مرحله رونمایی رسیده است.

رحیمی، جشنواره ویان را نمادی از هم‌افزایی دستگاه‌های مختلف فرهنگی دانست و گفت: این جشنواره فقط یک رویداد هنری نیست، بلکه الگویی برای تعامل مؤثر میان نهادهایی مانند شهرداری، شورای شهر و اداره کل ارشاد است. وی در ادامه سخنان خود با تأکید بر نقش هنر در زیباسازی فضاهای شهری اظهار داشت: شهر ما

رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای اسلامی شهر کرج، در آیین رونمایی از نخستین جشنواره ملی عکس ویان با اشاره به جایگاه مهم رسانه‌ها و هنرمندان در فرایند هویت‌سازی و امیدآفرینی در جامعه، بر لزوم حمایت از حرکت‌های اصیل فرهنگی تأکید کرد.

علیرضا رحیمی ضمن قدردانی از اصحاب رسانه به عنوان افسران جنگ نرم در موضوعات فرهنگی، اجتماعی و پروژه‌های شهری بیان کرد: ایده برگزاری جشنواره ملی عکس ویان در بهمن‌ماه سال گذشته در نشست که با حضور جمعی از هنرمندان صورت گرفت. در آن نشست، پیشنهاد

۲۵۶ طرح عمرانی البرز بالای ۷۵ درصد پیشرفت فیزیکی هستند

یک طرح تولید مرغ گوشتی و هفت طرح واحد صنایع تبدیلی و غذایی هستند. شیرزاد اظهار کرد: برای طرح های بخش گردشگری ۴۹۸ نفر اشتغالزایی، بخش صنعت ۲ هزار و ۸۷۴ نفر و طرح های بخش کشاورزی ۲ هزار و ۳۷۳ نفر اشتغالزایی پیش بینی شده است.

وی گفت: طرح های بخش گردشگری ۲ هزار و ۱۳۰ میلیارد ریال، بخش صنعت بیش از ۱۴۰ هزار میلیارد ریال و بخش کشاورزی بیش از ۴۰ هزار میلیارد ریال اعتبار نیاز است تا تکمیل شوند.

«توحید شیرزاد» ایرنا افزود: از مجموع این طرح ها، ۶ طرح در بخش گردشگری شامل ۲ طرح هتل، یک طرح سفره خانه و یک طرح مرکز سرگرمی تشکیل می‌دهند.

وی بیان کرد: ۲۳۰ طرح نیز در بخش صنعت شامل واحدهای تولیدی زنجیره ای های ارزش دارو، صنایع غذایی و خودرو، مواد معدنی، آرایشی و بهداشتی در دست اجرا تکمیل قرار دارد. رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان البرز گفت: ۲۰ طرح دارای بیش از ۷۵ درصد پیشرفت فیزیکی نیز در بخش کشاورزی داریم که شامل هشت طرح گلخانه ای، چهار طرح گاو شیری،



رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان البرز گفت: ۲۵۶ طرح عمرانی این استان در بخش های صنعت، گردشگری و جهاد کشاورزی بالای ۷۵ درصد پیشرفت فیزیکی هستند.

گام‌های عملیاتی در مسیر تحقق پزشکی خانواده

دکتر بابک پزشکی

برنامه پزشک خانواده روستایی از دهه ۸۰ و پزشک خانواده شهری از دهه ۹۰ با هدف پوشش همگانی سلامت، تقویت بسته های خدمات جامع سلامت، افزایش دسترسی و بهره مندی از خدمات فعال و با کیفیت بالا و در نهایت افزایش میزان مسئولیت پذیری و پاسخگویی به نیازهای سلامت جامعه که ارتقا سطح سلامت را به دنبال خواهد داشت، در استان فارس آغاز شد.

در سال های گذشته استان های فارس و مازندران این طرح را به صورت پایلوت اجرا کردند اما به دلایل مشکلات متعددی که در زمینه بودجه و تامین منابع وجود داشت این طرح در همین دو استان باقی ماند اما امروز خوشبختانه با دستور مقام معظم رهبری و حمایت های ریاست محترم جمهور، باید این نظام در کشور اجرایی شود. زیرساخت های اولیه پزشکی خانواده و نظام ارجاع و منابع مالی آن فراهم شده و انشاءالله امسال این کار طور کامل عملیاتی خواهد شد. در حال حاضر تمام خدمات سطح اول در قالب گروه های سنی مختلف به جمعیت تحت پوشش در پایگاه های پزشک خانواده در حال ارایه است و پایگاه های پزشک خانواده بعنوان واحد ارائه دهنده خدمات در نقاط مختلف شهری و روستایی، در دسترس عموم است.

در طی این سال ها تلاش گردیده با مستقر نمودن تیم سلامت آموزش دیده در پایگاه های سلامت شهری و روستایی در بخش دولتی و مطب پزشک خانواده شهری در سطح سواد سلامت جامعه از طریق مداخله پزشکان خانواده، تحولی در سطح سلامت ایجاد گردد. پرونده الکترونیک سلامت بصورت ۱۰۰ درصد برای جمعیت تحت پوشش تشکیل و دسترسی عموم مردم به خدمات بهداشتی و درمانی افزایش یافته و هزینه های پرداختی از جیب مردم کاهش یافته است.

بسته های خدمتی به گروه های هدف شامل: مراقبت نوزادان و کودکان مراقبت های نوجوان و جوان، میانسال، سالمندان، مادران باردار، باروری سالم و فرزند آوری، آموزش سلامت و پیشگیری و درمان بیماری ها از دیگر اقدامات است. فاز اجرایی تکمیل، تقویت و توسعه برنامه سلامت خانواده و نظام ارجاع با همکاری سازمان های بیمه گر باعث ارتقا دسترسی عادلانه مردم به خدمات سلامت و بهداشت و خدمات در سطوح تخصصی خواهد شد. تقویت نظام ارجاع و ارجاع الکترونیک از سطح یک به سطوح ۲ و ۳ از عوامل مؤثر در بهبود شرایط سلامت و تسهیل دسترسی به خدمات سلامت در فرآیند اجرایی پزشک خانواده است و نقش کلیدی در پیشگیری از بیماری ها دارد. پایگاه پزشک خانواده نه تنها به عنوان مرکز ارائه دهنده مراقبت، بلکه به عنوان یک آموزش دهنده و هماهنگ کننده سلامت عمل می کند و زمینه پیشگیری از بیماری های مزمن، ترویج واکسیناسیون، غربالگری و تشخیص بیماری و ارجاع به موقع بیمار، نقش مهمی ایفا می کند و با انجام معاینات منظم و غربالگری های لازم، می تواند بیماری ها را در مراحل اولیه شناسایی و از پیشرفت آن ها جلوگیری کند.

پزشک خانواده با ارائه مشاوره و آموزش های لازم در مورد تغذیه، فعالیت بدنی، ترک سیگار و سایر عوامل خطر، به افراد کمک می کند تا سبک زندگی سالم تری داشته باشند و از بروز بیماری ها پیشگیری کنند. همچنین با همکاری با بیماران، به آن ها کمک می کند تا بیماری های مزمن خود مانند دیابت، فشار خون بالا و بیماری های قلبی - عروقی را به خوبی کنترل کنند و از بروز عوارض آن ها جلوگیری کنند. با اجرای صحیح برنامه های پزشکی خانواده در آینده نزدیک، امیدواریم بتوانیم خدمات بهتر و باکیفیت تری به مادران باردار و نوزادان ارائه کنیم و مرگ هایی که قابل پیشگیری هستند را کنترل و به حداقل برسانیم. در حال حاضر دانشگاه علوم پزشکی فسا در اجرای برنامه پزشک خانواده، همگام با دیگر دانشگاه های کشور، کاستی هایی دارد که با حمایت ها و کمک های مسئولان محترم، نماینده محترم مردم شهرستان در مجلس، ائمه جمعه و جماعات و همچنین شوراهای اسلامی، انشاءالله این طرح به صورت کامل و به خوبی در شهرستان فسا و کشور اجرا شود.

«همنوا» با هدف ارتقای مهارت آموزی اجرا می شود

«سیدمصطفی آذرخش» - معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش - با تاکید بر لزوم توسعه مهارت آموزی در کنار ارتقای کیفیت و عدالت آموزشی از اجرای طرح «همنوا» خبر داد و گفت: یکی از اهداف مهم این طرح، دستیابی به سهم ۵۰ درصدی آموزش های فنی و حرفه ای و کاردانش در دوره دوم متوسطه است. افزایش استفاده از نوبت های اول و دوم هنرستان ها، تکمیل ظرفیت موجود، توسعه هنرستان های وابسته و جوار و اجرای آموزش های مشارکتی (دوگانه) در محیط واقعی کار از جمله راهکارهایی است که می تواند به تحقق این سهم کمک کند. وی با اشاره به نقش مؤثر سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور در این مسیر، همکاری های دوجانبه از جمله بهره گیری از نیروی موظف این مراکز، استفاده از ظرفیت فضا و تجهیزات و تأسیس هنرستان های جوار و وابسته را گامی مؤثر در تحقق شعار «وفاق برای مدرسه، برای ایران ماهر» دانست.

دنیای سوادار

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۴ شماره ۱۸۲۷

جمعه

نصف جهان

عملیات نجات در پربشان و انزلی آغاز شد

دو سند، دو نفس آخر برای تالاب های ایران



ایمان روزبهانی

وقتی از «مدیریت تالاب ها» صحبت می کنیم، اغلب تصور می شود که با سندی دیگر، گزارشی دیگر و یک نشست پرزرق و برق طرفیم. اما در ماجرای «سند مدیریت تالاب های پربشان و انزلی» آنچه در دست است، نه فقط سندی فنی بلکه سند بقاست. بقاء برای دو اکوسیستم آسیب دیده، بقاء برای جوامع محلی، و در مقیاسی گسترده تر، بقاء برای امید ما به آینده ای که هنوز امکان ترمیم دارد.

در روز جهانی تالاب ها، سندی امضا شد که به ظاهر یک گام کوچک در کاغذبازی های بوروکراتیک بود، اما اگر به درستی اجرا شود، شاید بتواند آخرین بند اتصال ما با دو تالاب در حال احتضار را نگه دارد. بر اساس گزارش رسمی سازمان حفاظت محیط زیست، اقدامات اجرایی از اسفندماه آغاز شده اند و جلساتی متعدد برای هم افزایی دستگاه ها برگزار شده، اما پرسش بنیادین این است: آیا «آغاز» به معنای «حرکت» است؟

تالاب پربشان: از ذخیره گاه زیستی تا زمین ترک خورده تالاب پربشان روزگاری نماد تنوع زیستی جنوب ایران بود. با وسعتی بالغ بر ۴۳۰۰ هکتار و قرارگیری در دل منطقه حفاظت شده ارژن، پربشان، این تالاب نه فقط برای یونسکو و کنوانسیون رامسر اهمیت داشت، بلکه برای مردمانی که در اطراف آن زندگی می کردند، منبع معیشت، هویت و امید بود؛ اما سال ها توسعه ناپایدار، حفر بی ضابطه چاه های کشاورزی، افت شدید منابع آب زیرزمینی و ناتوانی نهادهای محلی در مهار این روند، پربشان را از «تالاب» به «دشت خشکی» بدل کرد. آنچه در سند مدیریت جدید آمده، شاید دیر باشد، اما بی تردید اگر اجرایی شود، می تواند آخرین تیر ترمیم بر پیکر این اکوسیستم فرسوده باشد.

انزلی: زخم شمالی در لبه نابودی

در آن سوی کشور، تالاب انزلی داستانی مشابه اما پیچیده تر دارد. در دهه های گذشته، ورود رسوبات بی رویه، فاضلاب شهری و صنعتی، گسترش گیاهان مهاجم (مانند آژولا) و نوسانات خطرناک سطح آب، تالاب را از کارکرد اکولوژیک خود تهی کرده اند.

تالاب انزلی با بیش از ۲۰ هزار هکتار وسعت، هم از نظر تنوع زیستی و هم از منظر اقتصادی (صیادی، گردشگری و کشاورزی) یکی از حیاتی ترین مناطق شمال ایران است. در سال ۱۳۵۴ به ثبت کنوانسیون رامسر رسید، اما از دهه ۸۰ شمسی تاکنون عملاً به سمت فروپاشی اکولوژیک پیش می رود. اجرای سند مدیریت این تالاب، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی برای مهار فاجعه است.

سیاست نامه یا ضمانت نامه؟

یکی از نکات امیدبخش در تفاهم نامه جدید، استفاده از تجارب موفق مانند «معیشتهای وابسته به جنگل های زاگرس» و تلفیق این تجربه با حمایت نهادهایی مانند دیجی کالا است که می توانند در بازاریابی محصولات محلی، نقشی عملیاتی ایفا کنند. اما همواره این خطر وجود دارد که سندهای امضاشده به دلیل نبود ضمانت اجرایی، به سرنوشتی مانند بسیاری دیگر از طرح های محیط زیستی گرفتار شوند. به ویژه در ایران که اجرای سیاست ها اغلب اسیر



اجرای سند مدیریت تالاب های پربشان و انزلی نباید به پروژه ای مقطعی تقلیل یابد. این سند باید آغازگر تغییری در نظام مدیریت سرزمین باشد. یعنی سیاست گذاری کل نگرانه در حوزه آب، خاک، کشاورزی، صنعت و محیط زیست، با تأکید بر منافع میان دستگاہی و منطقه ای. اگر قرار است تجربه ارومیه تکرار نشود، باید از نگاه تکه تکه عبور کنیم.

از سند تا زندگی

تالاب ها صرفاً پیکره های آبی میان خشکی نیستند؛ آن ها قلب های تپنده ای اند در کالبد زمین. چیزی فراتر از نقطه ای روی نقشه یا پاراگرافی در اسناد زیست محیطی اند. آن ها ذخایر زیستی اند، تنظیم کننده های اقلیم اند، فیلترهای طبیعی برای تصفیه آب، پناهگاه هزاران گونه گیاهی و جانوری، و در عین حال مأمن خاموشی برای انسان هایی که در حاشیه شان روزگار می گذرانند.

پربشان و انزلی، به مثابه دو زخم گشوده در جغرافیای ایران، اگر تنها در آمارها یا خط مشی های دیوان سالارانه دیده شوند، راهی برای بهبودی نخواهند یافت. این دو تالاب، همانقدر که مسئله ای زیست محیطی اند، معضله انسانی و اجتماعی هم هستند. مردمانی که زندگی و معیشت شان به این تالاب ها گره خورده، امروز نه فقط با بحران آب و کشاورزی، که با فروپاشی پیوندهای تاریخی و هویتی شان روبه رو شده اند. کودکانی که دیگر فلامینگوها را در افق نمی بینند، ماهیگیرانی که قایق ها را به دیوار خانه تکیه داده اند، و زنان بومی ای که با هر پسرقت آب، اندوخته ای از سنت، خوراک، دارو و دانایی بومی را از دست می دهند.

سند مدیریت اگر می خواهد زنده باشد، باید زندگی بیاورد. باید از چارچوب خشک اداری بیرون بزند، به دل روستاها، به لب حوضچه ها، به خانه های کاهگلی و چشم های نگران برسد. سیاست گذاری برای تالاب، سیاست گذاری برای امنیت روانی و اجتماعی هم هست؛ برای آن که امید بماند، و مهاجرت به ناامیدی نینجامد. ماجرا فقط درباره سطح آب یا گونه های مهاجم نیست. درباره این است که اگر «پربشان» به تمام معنا خشک شود، بخشی از حافظه زیستی و فرهنگی جنوب ایران از دست می رود. و اگر «انزلی» به باتلاقی مسموم بدل شود، نرفتهای شمال ایران که کل زیست بوم دریای خزر دچار تزلزل خواهد شد.

در نهایت، اجرای سند پربشان و انزلی باید چیزی بیش از یک پروژه باشد؛ باید بدل شود به تعهدی اخلاقی و جمعی، که به بازسازی پیوند میان انسان، طبیعت و آینده کمک کند. اگر این سند بتواند در دل آن مرد صیاد، آن زن کشاورز، آن کودک دانش آموز، امیدی تازه بدمد، آنگاه شاید نخستین گام برای احیای نه فقط تالاب، که «زندگی» برداشته شده باشد.

تغییر دولت ها، نوسانات بودجه و تعارض منافع محلی می شود، باید تضمین هایی برای تداوم، پیگیری و گزارش دهی عمومی در نظر گرفته شود. نقطه عطف مهم این طرح، همکاری میان سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت جهاد کشاورزی است. همانطور که غلامرضا گل محمدی (رئیس سازمان تات) اشاره کرده، کشاورزی اگر به درستی مدیریت شود، می تواند نه فقط بخشی از بحران نباشد بلکه عاملی مؤثر در نجات تالاب ها باشد. در اقدامات عملی صورت گرفته، تغییر فصل کشت چغندر در حوضه های تالابی از بهار به پاییز، به کاهش ۱۱ میلیون مترمکعبی مصرف آب منجر شده است. همچنین، هوشمندسازی در ۷۰۰۰ هکتار اراضی باعث کاهش ۱۸ درصدی مصرف آب و افزایش ۲۵ درصدی بهره وری شده؛ این ها ارقام کوچکی نیستند؛ اما این اقدامات باید گسترده تر، فراگیرتر و با مشارکت مستقیم کشاورزان بومی دنبال شوند. بدون آموزش های جدی، نظام های حمایتی اقتصادی و گفتمان سازی میان جوامع محلی، هیچ سیاستی پایدار نمی ماند.

توسعه بومی یا بازاری؟

ورود بخش خصوصی به این طرح، از جمله دیجی کالا، نکته ای جذاب اما قابل بحث است. اگرچه استفاده از ظرفیت فروش آنلاین برای حمایت از معیشت های بومی تحسین برانگیز است، اما اگر این مشارکت به سمت «بازاری سازی بدون ضابطه» برود، می تواند منجر به بهره کشی جدید از منابع محلی شود. آنچه لازم است، نظارت دقیق و همسویی با اصول توسعه پایدار است: اقتصادی که زیست بوم را تخریب نکند، فرهنگی که به بومیان عزت بدهد، و سیاستی که سود را به قیمت نابودی طبیعت تعریف نکند.

سند ها و تفاهم نامه ها هرچقدر هم دقیق و علمی باشند، بدون مشارکت مردم، روی کاغذ می ماند. مشارکت در اینجا فقط به معنای استفاده از نیروی کار بومی نیست؛ بلکه به معنای آموزش، توانمندسازی، تصمیم گیری مشترک و اعتماد سازی است. همانطور که گل محمدی تأکید کرده، بدون همراهی جوامع محلی، تحقق کشاورزی پایدار ممکن نیست. این اصل، نه توصیه ای جانبی، بلکه اصل اول در موفقیت هر سیاست محیط زیستی است. چه در پربشان، چه در انزلی. از مدارس ابتدایی گرفته تا دانشگاه ها، از رسانه ها تا کمپین های محلی، آموزش درباره اهمیت تالاب ها باید به یک دغدغه عمومی بدل شود. تا زمانی که مردم، اهمیت یک تالاب را فقط در قایق سواری یا برداشت نی ببینند، تا وقتی کشاورز تنها دغدغه اش «محصول امسال» باشد، و تا وقتی سیاست گذار به تالاب به عنوان «زمینی بلااستفاده» نگاه کند، هیچ سندی کافی نیست.



پروانه نمایش فیلم «زن و بچه» سعید روستایی صادر شد

شورای بازبینی فیلم‌های سینمایی با صدور پروانه نمایش ۵ فیلم موافقت کرد. در این میان نام آثار جمال شورجه و سعید روستایی به چشم می‌خورد. فیلم‌های «اتاقک گلی» به تهیه‌کنندگی داود صبور و جمال شورجه و کارگردانی محمدعلی عسگری، «برهوت» به تهیه‌کنندگی محمد کمالی‌پور و کارگردانی منصور وثوقی، «زن و بچه» به تهیه‌کنندگی سیدجمال ساداتیان و کارگردانی سعید روستایی، «شوهر ستاره» به تهیه‌کنندگی علی اوجی و نرگس محمدی و کارگردانی ابراهیم ایرج‌زاد و «ناجورها» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی محمدحسین فرحبخش موافقت شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی را کسب کردند. فیلم «زن و بچه» به کارگردانی سعید روستایی امسال در جشنواره فیلم کن رونمایی شد. نقش آفرینی پریناز ایزدیار در این فیلم از سوی برخی منتقدان سینمایی در جشنواره کن مورد توجه قرار گرفت تا جایی که در بعضی پیش‌بینی‌ها او را یکی از نامزدهای دریافت جایزه می‌دانستند. در کنار او پیمان معادی، فرشته صدرعرفایی، سحر گلدوست، سها نیاستی و حسن پورشیرازی بازی کرده‌اند.

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۲۷

دنیایکسودادار

فرهنگی

ادبیات

نام‌لاتی بر جهان «بازی تاج و تخت» در دنیای ادبیات؛

نغمه‌هایی برای دنیاسازی

آرش مشهدی

سری داستان «نغمهٔ آتش و یخ»، یکی از بزرگترین داستان‌های سبک فانتزی-حماسی نسل حاضر ماست. داستانی که المان‌های تثبیت‌شده در این ژانر را مانند اژدها، شوالیه شاهدخت و... را با سیاست‌ها و اتفاقات تلخ قرون وسطی ترکیب کرده، تا رئالیسم خاص خود را به این دنیای جادویی ببخشد.

جرج آر. آر. مارتین، خالق دنیای آتش و یخ، متولد نیوجرسی، مکان زندگی آرامی داشته و به گفتهٔ خودش، تا نوجوانی از دو خیابانی که مسیر خانه به مدرسه رفتنش بوده دورتر نمی‌شده است. این زندگی ملایم با محدود بودن تعامل با دنیای اطرافش، او را از کودکی به جهان‌های فانتزی و تخیلی علاقه‌مند کرد. در آینده به تاریخ انگلستان و پادشاهان آن‌ها نیز علاقهٔ زیادی نشان می‌دهد، که بنظرش عکس تاریخ آمریکا با قدم‌تتر و جذاب‌تر بوده است.

در سال ۱۹۹۶ میلادی، او عشق خود از سرزمین میانه‌ی جی. آر. آر. تالکین را با تاریخ قرون وسطی در انگلستان ترکیب کرده بود، تا اولین رمان سری «نغمهٔ آتش و یخ»، یعنی «بازی تاج و تخت» را بنویسد.

با وجود حضور تشابهات متعدد اثر مارتین با سایر آثار فانتزی-حماسی مثل ارباب قلعه‌های تالکین، مواردی وجود دارند که باعث می‌شوند نتیجهٔ نهایی تفاوت زیادی با سایر آثار این ژانر کند. در این مقاله درحالی‌که در انتظار کتاب جدید این مجموعه یعنی «یادهای زمستان» هستیم، تعدادی از ویژگی‌های دنیای مارتین را با هم مرور می‌کنیم. در جهان آتش و یخ، ما با سرزمین «وستروس» آشنا می‌شویم، که خاندان‌های آن همه برای تخت آهنین فرمانروایی ندان تیز گردانند. مهمترین این خاندان‌ها، استارک، لانیستر، تارگرین و برتون هستند که تأثیر مستقیم روی پلات و سرنوشت کاراکترها و وقایع دنیا دارند.

در وهلهٔ اول، در وستروس که در نقشه شبیه نسخهٔ برعکس‌شدهٔ انگلستان است، اثری از جادو به چشم نمی‌خورد. غذا و آذوقهٔ بسیار محدود است، و مردم منتظر زمستان بلندی هستند، در حین اینکه لرها از پیش حریص‌تر می‌شوند و برای لشکرکشی به سرزمین‌های یک دیگر آماده می‌شوند.

نحوه‌ای که مارتین خواننده را وارد یک دنیای پیچیده با قوانین خودش می‌کند، یکی از بهترین مثال‌های این ژانر داستانی با شخصیت‌های متعدد و تاریخچهٔ غنی است. او ابتدا سه‌خاندان مهم را در یک قلعه جمع می‌کند، و بدون شرح‌دادن تاریخچهٔ این کاراکترها با یکدیگر، می‌گذارد خواننده خود از برخورد ند استارک با همسرش بفهمد او چگونه شوهری است. از برخورد ند استارک با دوست قدیمی‌اش رابرت برتون که حالا پادشاه او نیز هست، بفهمد او چگونه به پادشاهش و به دوست کودکی‌اش خدمت می‌کند. چطور پدر و یا چگونه لردی است.

کسی به خواننده نمی‌گوید ند استارک چگونه مردی بود. نیازی نیست وقتی خواننده می‌تواند برای خودش بخواند. روابط شخصیت‌ها و سخنانند مهم را، در همان ابتدای اثر برای خواننده جا می‌اندازد. یکی از شخصیت‌هایی که با او آشنا می‌شویم، برندن استارک، یکی از فرزندان ند استارک است که کودکی بازیگوش است و علاقهٔ زیادی به بالا رفتن از سنگ‌های دیوارهای قلعه دارد. او بعد از بالا رفتن از یکی از برج‌ها، با صحنه‌ای مواجه می‌شود که نباید ببیند، و برای ساکت‌ماندنش، جیمی لانیستر، برادر دوقلوی ملکه او را از

بالای برج به پایین پرتاب می‌کند. مارتین در همان ابتدای اثر به بیننده القا می‌کند که بچه‌بودن در این دنیا، به معنی این نیست که از خطرهای معقول این دنیا می‌توان در امان بود و همیشه یک محافظ پشت پرده قرار دارد تا کودک را نجات دهد.

هر عملی در این دنیا، قیمتی دارد. شخصیت‌ها در این دنیا مانند جیمی لانیستر از این که برای حفظ راز خود، یک بچه را از بالای برج به پایین پرت کنند، ایایی ندارند.

در عین حال، این شخصیت‌ها را به تفکیک سادهٔ سیاه و سفید نمی‌توان تقلیل داد. ند استارک انسان درستکار و با افتخاری است، سرباز قابلی است و خانواده‌اش را خیلی دوست دارد. در فرماندهی نبرد نیز انسان باهوش و با تجربه‌ای است. اما آیا این ویژگی کافی برای نشستن روی تخت آهنین و فرمانروایی است؟ در دنیای تالکین بله. در دنیای مارتین، ند استارک چند روز جای دوستش رابرت که به او لقب «دست پادشاه» داده، روی تخت آهنین می‌نشیند، و باعث مرگ صدها نفر و سوختن چند روستا توسط گرگ‌ور کلگین می‌شود. این عمل او از روی قصد نیست، بلکه از روی عدم تجربه و درایت کافی او در هدایت‌کردن سیاست‌های پشت پرده است که باعث این اتفاق می‌شود.

او فرمانروایی روی تخت آهنین را بلد نیست. نمی‌داند چطور بازی تاج و تخت را بازی کند. او در شرایطی تبحر دارد که دشمن در جلوش، در میدان نبرد باشد. نه وقتی که در لباس دوست و حامی در کنار او ظاهر می‌شوند و از پشت به او خنجر می‌زنند.

تمامی این عوامل در شخصیت‌پردازی دست در دست هم می‌دهند، تا این دنیا که ما می‌دانیم مردگان متحرک دارد، اژدها دارد و... شدت واقعی بنظر برسد. وقتی شخصیت‌ها در مخصصه‌ای گیر می‌کنند، ما می‌دانیم که قرار نیست بصورت جادویی از آن شرایط جان سالم به در ببرند. کسی زره داستانی ندارد. هیچکس در امان نیست و خواننده تمام مدت درگیر سرنوشت آن‌هاست.

در سرزمین آتش و یخ، جغرافیا یکی از مهمترین المان‌هاست. در شمال وستروس، دیواری کشیده شده که مردمان آزاده را از آن‌هایی که داخل قلمرو هفت پادشاهی زندگی می‌کنند جدا می‌کند. در پایین دیوار قلعه‌ی استارک‌ها یعنی «وینترفِل» وجود دارد، که همیشه هوای سردی دارد. قلعهٔ «ویل» معماری خاص خودش را دارد، که با قرار گرفتن بالای کوه، مسیر رسیدنش آنقدر تنگ است که تنها یک یا دو نفر سوار در آنجا می‌شوند.

«درگون استون» که سابقاً تخت خاندان تارگرین بوده، و بعد از قیام رابرت، برادر او، «استنیس برتون» در آنجا حکومت می‌کند.

بندر «لانیسپورت» که در آن لانیسترها با طلاهایشان تجارت می‌کنند، «های‌گاردن» که در آن تایلرها تمام گندم و آذوقه در اختیارشان است.

هر شهر و قلعه، ویژگی خاص خودش را دارد. جغرافیا این دنیا بسیار منطقی بنظر می‌رسد، در شمال سرزمین همیشه زمستان است، و בעלת سرمای زیاد تا حدی بالاتر از دیوار کسی نمی‌داند چخبر است. شایعاتی از عنکبوت‌های غول‌آسا توسط مردم آزاده به گوش می‌رسد، اما مردم جنوب که اثری از آن‌ها ندیده‌اند، این داستان‌ها را باور نمی‌کنند.

اطلاعاتی که در مورد دنیای آتش و یخ در دسترس است محدود است. زیرا دانش مردم این سرزمین محدود است. همانطور که اشاره شد، בעלת نبود وسایل سریع حمل و نقل، اتفاقاتی که سراسر این دنیا می‌افتد برای ساکنین دورتر قابل باور نیست. «میسترها» (که بگونهٔ دانشمندان این

دنیا هستند و زنجیرهای مختلفی به لباسشان می‌پندند که هرکدام نشان از تبحر در یکی از زمینه‌های نجوم، شیمی و... است) سعی کرده‌اند داستان‌هایی که در مورد موجودات تخیلی این دنیا وجود دارند را جمع‌آوری کنند ولی موجوداتی مثل «وایت واکرها» که در اصل کتاب بیشتر تحت عنوان «دیگران» خطاب می‌شوند، چندین قرن از آخرین حضورشان گذشته، که این گذر زمان آن‌ها را تبدیل کرده به داستان‌هایی که پدر و مادرها برای ترساندن کودکانشان تعریف می‌کنند. گمان می‌شود اژدهاها موجوداتی آمیخته به جادو نبوند و در گفتن افسانه‌های آن‌ها غلو شده.

این المان، بسیار این دنیا را شبیه به دنیای ما می‌کند. خیلی از موجودات خیالی فولکلور در دنیای ما هم تبدیل به داستان‌های برای کودکان شدند، و این خاساست مارتین در به‌تصویرکشیدن این موجودات فانتزی، مخصوصاً در کتاب اول، از عوامل مؤقتت این دنیاست، چون وقتی که نوبت به خودنمایی این المان‌ها می‌رسد، آن‌ها بنظر اتفاقاتی نادر، خاص و واقعا جادویی می‌آیند.

وقتی که «نریس» در آخر کتاب اول، بعد از گذر از صحرا بدون آب و غذا، ترک شدنش توسط اکثر اعضای «کلاسارش» و از دست دادن شوهرش «کال دروگو»، با سه تخم اژدهایی که به او دادند داخل آتش می‌شود و صبح روز بعد، با سه بچه اژدها، بدون اینکه سوخته باشد، از خاکستر بیرون میاید، خواننده به‌همراه سایر شخصیت‌ها، جادو را حس می‌کند.

مردم دنیای وستروس دقیقاً مثل ما به جادو عادت ندارند. آن‌ها را افسانه و اسطوره می‌نامند. اما حال چاره‌ای جز زانو زدن در مقابل یک دختر نوجوان با چشم‌های بنفش ندارند که آتش نتوانست او را بسوزاند و در آغوشش مانند مادری سبچه‌اژدها بدست گرفته.

یا تصویر روبه‌رو شدن با «دیگران»، موجوداتی از یخ با چشم‌های آبی مرده، در بدن تمامی اعضای «نگهبانان شب» ریشه می‌اندازد زیرا آن‌ها تا به حال همچین موجوداتی ندیده‌اند.

یا از مرگ زنده‌شدن «بریک داندیرین»، به خواست خدای نور، خواننده را در جایش می‌خکوب می‌کند.

بعد از آن همهٔ خیانت‌ها، سربریدن‌ها، بعد از اینکه خواننده به این دنیای سرد و بی‌رحم عادت می‌کند و با این مسئله کنار می‌آید که معجزه‌ای قرار نیست کمک ند استارک یا فرزندان‌ش کند، روبه‌رو شدن با این المان‌های فانتزی حقیقتاً شگفت‌آور می‌شوند. آن‌ها واقعا احساس روبه‌رو شدن با یک معجزهٔ حقیقی را می‌دهند، چون خواننده در این دنیای بی‌رحم و رئال غرق شده و پذیرفته که این دنیا مانند تاریخ خودش بی‌رحم و شفقت است.

«خدای غرق‌شده» را، که خاندان گریجوی و ساکنین جزایر آهنین آن را می‌پرستند، اشارهٔ واضحی به معروفترین مخلوق لاوکرفت یعنی Cthulhu و ماهیت شخصیت اوست. همچنین نماد خاندان گریجوی یک Kraken است

که احتمالاً شکل واقعی خدای غرق‌شده در دنیای مارتین نیز آن باشد، و شخصیت Cthulhu از شعری اثر تنیسون به‌نام Kraken الهام گرفته شده است.

شاید یکی از جالب‌ترین کتاب‌های تاریخی داستانی، کتاب «دنیای آتش و یخ» باشد که مارتین به کمک لیندا آنتونسون و الیو ام. گارسیا جونیور نوشته است.

این کتاب به بخش‌های مختلفی تقسیم شده است، ابتدا در مورد تاریخ باستانی آن‌ها یعنی از پیدایش دنیا و آمدن «First Men» تا شب طولانی (که اولین مواجهه با The Others است) است و به شهر باستانی Valyria و دانش پیشرفتهٔ آن‌ها تا سقوط شهرشان پرداخته شده. سپس دوران اژدهاها آغاز می‌شود، و تسخیر هفت قلمرو توسط «ایگان تارگرین اول»، در ادامهٔ این فصل به زندگی پادشاهان تارگرین پرداخته شده، تا به آخرین آن‌ها یعنی «آئریس دوم» که به او لقب پادشاه دیوانه دادند می‌رسیم، و با قیام رابرت برتون علیه تارگرین‌ها، سلسلهٔ آن‌ها تمام می‌شود و به زمان فعلی کتاب‌های اصلی می‌رسیم.

بخش دوم کتاب از لحاظ جغرافیا، از شمال دیوار تا جنوب وستروس را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس به سرزمین‌های ورای وستروس می‌پردازد.

اولین نکتهٔ جالب این کتاب این است که وقتی آن را باز می‌کنید، در ابتدا نوشته‌ای می‌بینیم که کتاب به «شاه تامن» تقدیم شده است، و زیر اسم تامن خط خوردگی و آثار اسم‌های جافری و رابرت (برادر بزرگتر او و پدرشان، که شاه‌های قبلی بوده‌اند) به چشم می‌خورد. یعنی این کتاب به‌عنوان یک کتاب واقعی در دنیای وستروس نوشته شده است. مارتین باز هم دید خداگونه به دنیای خود نداشته، و این کتاب را از دید یک «میستر» تاریخ‌دان نوشته، و حتی مقداری از اطلاعات آن درخصوص شخصیت‌های تاریخی یا جادویی و مکان‌ها، با توجه به دانشی که ما از خود کتب اصلی دریافت می‌کنیم، درست نیست. این نشان‌دهندهٔ این است که دانش مردم از سرزمین اطرافشان محدود بوده و درگیر اشتباهات زیادی شدند، و چون «میسترها» اهل تفکر منطقی و علم‌د، خیلی از موجودات و اتفاقات ماورای طبیعت را شایعه و اشتباه تلقی کرده‌اند.

دنیای وستروس و مارتین یکی از پیچیده‌ترین و جذاب‌ترین دنیاهای ادبیات فانتزی - حماسی‌اند. دنیایی که جادو و شگفتی را در یکی از بی‌رحم‌ترین و سردترین دنیاها، دوباره کشف کردند. این دنیا با تمام وجنات خارق‌العاده و ترسناکش، بسیار شبیه دنیای ماست و در نهایت خطاری به جامعهٔ بشری است. همانطور که دنیای وستروس به پیشواز زمستانی سرد و تاریک می‌رود و جهان‌شان که درگیر اختلاف‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی است، باید با هم جلوی The Others متحد شوند یا برای همیشه نابود شوند، خطاری است برای ما و اختلافات سیاسی و مذهبی خودمان، و جهان آینده‌مان که اگر مراقب نباشیم، شاید از وستروس نیز کشنده‌تر باشد...

توفکریک سقم!

فراز اسدی



خصوصی انتظار التزام به قانون داشت؟ در واقع، چرخ عدالت مسکونی برای طبقه‌ی کارگر، بدون موتور محرکه‌ای به نام دولت، نمی‌چرخد. غیبت در تأمین زمین، در حذف هزینه‌های ابتدایی همچون مجوز ساخت، در کاهش سود تسهیلات بانکی، و در بسیج ظرفیت‌های نهادهای برای انبوه‌سازی ارزان‌قیمت، همگی به معنای واگذاری کامل این مسئله به نیروهای بازار است؛ بازاری که طبیعتاً با عدالت و توان اقتصادی کارگران میانه‌ای ندارد.

زمین، مجوز، تسهیلات؛ سه ضلعی گره‌های کور

بر اساس سخنان نمایندگان کارگری و کارفرمایی در این نشست، مهم‌ترین موانع ساخت مسکن کارگری، لزوماً اقتصادی صرف نیستند، بلکه عمدتاً «نهادی» و «سیاستی» هستند. دریافت جواز ساخت، پرداخت مبالغ هنگفت به شهرداری و سازمان تأمین اجتماعی، و تأمین زمین از جمله موانعی‌اند که به‌جای تسهیل، عملاً فرایند ساخت مسکن را برای کارفرماها و تعاونی‌های کارگری فلج کرده‌اند. اینجاست که نقش دولت نه در سرمایه‌گذاری مستقیم، بلکه در «تسهیل‌گری غیربودجه‌ای» می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

طرح‌هایی مانند نهضت ملی مسکن یا طرح اقدام ملی نیز، هرچند به‌ظاهر پوششی برای کل جامعه‌اند، اما به گفته‌ی بسیاری از فعالان کارگری، در عمل سهمی از آن‌ها به کارگران اختصاص نیافته یا شروط و آورده‌های اولیه به قدری سنگین بوده که این طبقه عملاً از گردونه حذف شده‌است.

تناسب میان وام و دستمزد؛ رؤیای محال صاحب‌خانه‌شدن یکی از روشن‌ترین جملاتی که در این نشست مطرح شد، این بود: «کارگری که ۱۵ میلیون تومان حقوق می‌گیرد، نمی‌تواند ۵۰ میلیون تومان قسط بدهد». این جمله نه اغراق است و نه شعار. وضعیت کنونی وام‌های مسکن، نرخ بهره‌ها، و سقف تقسیط عملاً شرایطی را رقم زده‌اند که کارگر برای خرید خانه، باید چیزی بیش از پنج برابر حقوق سالانه‌اش را فقط به عنوان پیش‌پرداخت و آورده نقدی داشته باشد. این نسبت ناعادلانه و شکننده، نفع‌اندازی به خانه را ناممکن کرده، بلکه حس ناامنی روانی و چشم‌انداز مبهمی از آینده را به طبقه‌ی کارگر تحمیل کرده‌است.

چرا انبوه‌سازی، چرا واحدهای کوچک؟

در بخشی از این نشست، آهنگریان پیشنهاداتی راهبردی برای کاهش قیمت تمام‌شده‌ی مسکن کارگری ارائه داد: از جمله حرکت به سمت ساخت واحدهای کوچک متراژ، استفاده از بافت‌های فرسوده، و ورود بانک‌های تخصصی (مسکن)، رفاه کارگران، توسعه تعاون برای ارائه‌ی وام‌های کم‌بهره و بلندمدت. همچنین اشاره شد که هلدینگ‌های وابسته به صندوق‌های بازنشستگی مثل شستا، که در حوزه‌های مصالح

در میانه‌ی بحران چندلایه‌ی اقتصادی ایران، یکی از چالش‌هایی که کمتر به آن پرداخته می‌شود اما ستون فقرات زندگی میلیون‌ها نفر از شهروندان را نشانه گرفته، مسئله‌ی «مسکن کارگری» است. موضوعی که نفع‌ها با درآمد و معیشت روزانه‌ی کارگران گره خورده، بلکه مستقیماً به کرامت، امنیت روانی، و حتی توان تولیدی نیروی کار وابسته است. با این حال، دولت‌ها در دهه‌های اخیر با وجود تصریح اصل ۳۱ قانون اساسی بر حق برخورداری از مسکن متناسب برای هر ایرانی، همواره در این حوزه با غیبت ساختاری و عملکردی مواجه بوده‌اند.

در نشست اخیر «پیوست عدالت» که از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شد، نمایندگان کارگران و کارفرمایان در شورای عالی کار از زوایای مختلف به این مسئله پرداختند. اما صدای بلندتری که از دل این نشست بیرون آمد، نه مربوط به اختلاف‌های معمول میان این دو گروه بلکه اشاره‌ای مستقیم به دولت بود: غایبی که باید نقش تنظیم‌گر، پشتیبان و راه‌گشا را ایفا کند، اما در بزنگاه‌ها، یا نیست یا دست‌وپاش‌کسته و بی‌ثبات عمل می‌کند.

فیلی توتی اتاق مذاکرات مزد

در تمامی نشست‌های مربوط به تعیین حداقل مزد، سبد معیشت به‌عنوان شاخص بنیادین ارزیابی می‌شود. مجید آهنگریان، نماینده کارفرمایان، در همین چارچوب تأکید کرد که هزینه مسکن همیشه بخش عمده‌ای از این سبد را بلعیده و به معضل اساسی تبدیل شده‌است. اما نکته اینجاست که برخلاف بسیاری از کشورهای جهان که دولت‌ها با ارائه مسکن اجتماعی یا سیاست‌های حمایتی بخشی از این بار را برمی‌دارند، در ایران عمدتاً این هزینه مستقیماً بر دوش خانوار کارگری سنگینی می‌کند. با وجود آیین‌نامه‌های قدیمی ماده ۱۴۹ قانون کار که کارفرمایان را مکلف به تأمین مسکن در چارچوب تعاونی‌های مسکن می‌کند، در عمل هیچ ساختار ناظری وجود ندارد که الزامات قانونی را پیگیری و اجرا کند. حتی به‌روزرسانی این آیین‌نامه‌ها که آخرین بار در اوایل دهه ۷۰ انجام شد، سال‌هاست در پیچ‌وخم‌های بوروکراتیک و ناهماهنگی‌های بین‌بخشی گیر کرده‌است.

قانون اساسی چه می‌گوید، دولت چه می‌کند؟

محمدرضا تاجیک، نماینده کارگران، از نقطه‌ی آغازینی متفاوتی وارد بحث شد. قانون اساسی، اصل ۳۱، اصل ۴۳، و مواد ۱۴۹ و ۱۵۳ قانون کار، همگی دولت را موظف به فراهم کردن زمینه‌های لازم برای دسترسی مردم (و به‌طور خاص کارگران) به مسکن مناسب می‌دانند. اما با بدرستی می‌پرسد: وقتی دولت خودش به وظایف تصریح‌شده‌اش در قانون عمل نمی‌کند، چگونه می‌توان از کارفرمای بخش

تغییر رویکرد بانکی: بانک‌های کارگری باید تسهیلاتی متناسب با درآمد کارگران طراحی کنند؛ نه وام‌هایی که تنها برای طبقات بالادستی کاربرد دارند. برنامه‌ریزی برای مسکن اجاره‌ای حمایتی: برای آن دسته از کارگران که امکان خرید ندارند، باید الگوی سکونتی امن، پایدار و مبتنی بر اجاره‌های اجتماعی فراهم شود.

مسکن کارگری؛ میدان سنجش اعتبار عدالت اجتماعی

مسئله مسکن کارگری، برخلاف تصور رایج، صرفاً یک بحران صنفی یا بخشی نیست؛ بلکه به‌مثابه آیین‌های شفاف، جایگاه دولت را در تحقق عدالت اجتماعی به نمایش می‌گذارد. اگر عدالت را نه به‌عنوان مفهومی تئوریک در قانون اساسی، بلکه به‌مثابه کنشی عملی در زندگی روزمره شهروندان تلقی کنیم، آن‌گاه کیفیت و دسترسی‌پذیری مسکن برای طبقه کارگر، مهم‌ترین آزمون کارآمدی دولت در حوزه سیاست‌گذاری رفاهی خواهد بود.

دولت، با تمام ابزارهای قانونی، اجرایی، نهادی و حتی سمبولیک در اختیارش، اگر نتواند در تأمین یکی از اساسی‌ترین حقوق شهروندان یعنی «سرپناه» ورود مؤثر داشته باشد، دیگر هیچ سازوکار جبرانی نمی‌تواند خلأ مشروعیتی که در ذهن طبقات مولد شکل می‌گیرد را پر کند. خانه صرفاً چهاردیواری نیست؛ معنای آن، احساس تعلق، آینده‌مندی، و امید به تداوم زندگی انسانی است. وقتی این معنا از زندگی کارگر حذف شود، آنچه باقی می‌ماند نه فقط فقر، بلکه «بی‌خانمانی سیاسی» است: حسی از طردشدگی، بی‌پناهی و بی‌ربطی به نهاد دولت.

پس اگر قرار است عدالت اجتماعی تنها شعاری نباشد که بر سربرگ‌های رسمی نقش بسته، نقطه آغاز آن همین‌جاست؛ در کوچه‌های بی‌نامی که کارگرانی با درآمد حداقلی، رؤیای سقایی امن را در ذهن می‌پروراند. عدالت، اگر نتواند بر سر این خانه‌ها سایه بیندازد، از بلندترین منبرها هم شنیده نخواهد شد.

ساختمانی، سیمان و فولاد فعال‌اند، می‌توانند نقش مهمی در کاهش هزینه‌ها ایفا کنند؛ اما همچنان نبود یک راهبرد ملی در این حوزه، و عدم اولویت‌دادن به مسکن کارگری در سیاست‌های کلان کشور، باعث شده که این پیشنهادات صرفاً در سطح ایده باقی بمانند.

ساخت مسکن کارگری نه فقط یک اقدام رفاهی، بلکه اقدامی سیاسی-اجتماعی برای برون‌رفت از چرخه حاشیه‌نشینی، افزایش نابرابری و محرومیت‌های شهری است. وقتی کارگران مجبورند در فاصله‌ای دور از محل کار خود سکونت کنند، نفع‌ها هزینه‌ی حمل‌ونقل افزایش می‌یابد، بلکه زمان حضور مفید در خانه، روابط خانوادگی، و کیفیت زندگی دچار افت می‌شود. خانه، به جای پناه، به امری دوردست و فرساینده تبدیل می‌شود. در این وضعیت، سیاست‌گذاری مسکن نباید صرفاً بر مبنای عدد و رقم باشد، بلکه باید نگاهی انسانی، متوازن و عدالت‌محور داشته باشد؛ نگاهی که در آن خانه نه کالایی لوکس، که حقی بنیادین تلقی شود.

مسیرهای پیشنهادی برای نجات «خانه» از «رؤیای ناممکن» برای برون‌رفت از این وضعیت، چند راهکار بنیادین پیشنهاد می‌شود:

بازتعریف نقش دولت: دولت باید فراتر از طرح‌های عمومی، سازوکاری ویژه برای مسکن کارگری تعریف کند؛ با تعهدات روشن در تأمین زمین، حذف هزینه‌های زائد، و اعطای تسهیلات.

تشویق سرمایه‌گذاری کارفرمایان از مسیر معافیت مالیاتی: اگر کارفرمایان در پروژه‌های مسکن کارگری مشارکت کنند، باید مشوق‌هایی همچون معافیت مالیاتی یا به رسمیت‌شناسی هزینه‌ها به‌عنوان هزینه قابل قبول دریافت کنند

تسهیل فرآیندهای اداری: صدور مجوزها، جواز ساخت، معافیت از ماده‌های سنگین تأمین اجتماعی؛ همگی باید مشمول تسهیل‌گری هدفمند باشند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۳۰۰۱۸۶۹/۱۴۰۴ مورخ ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی حسین قلی نصیری سیمکانی فرزند جعفر قلی به شماره ملی ۲۴۱۱۰۶۰۹۲ در ششدانگ یک قطعه زمین با پناهی احدثی به مساحت ۲۲۴ مترمربع از مالکیت محمد حسین مختاری نسبت به پلاک ۸۵۸ فرعی از ۱۳۷ اصلی ذیل دفتر ۲۱۳ صفحه ۷۷ واقع در کردان حوزه ثبتی ساوجبلاغ استان البرز تایید و رای هیئت صادر گردیده. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۴۲۷۵۸ نوبت دوم: ۲۸ خرداد ۱۴۰۴ اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - اشتهاارد (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۰۵۵۴۸/۱۴۰۴ مورخ ششم خرداد ۱۴۰۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک اشتهاارد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای اباذر مردم فرزند علی اکبر بشماره شناسنامه ۷۷ و بشماره ملی ۰۳۲۲۱۴۱۵۳ صادره از کرج نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین بصورت کوره آجرپزی بمساحت ۲۲۱۷.۴۱ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲۱۹ اصلی مزرعه کوشک آباد بخش مزارع حوزه ثبت ملک اشتهاارد بصورت خریداری مع الواسطه از مالک رسمی مرحوم علی اکبر سلیمانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند. می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم، اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۴۲۲۳۸ نوبت دوم: ۲۸ خرداد ۱۴۰۴ اداره ثبت اسناد و املاک اشتهاارد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۰۱۴۸۵/۱۴۰۴ مورخ سوم اردیبهشت ۱۴۰۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی چگینی رادفرزند خاتعلی به شماره شناسنامه ۲۲۹ که ملی ۰۵۵۸۰۲۱۸۹۱ ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۲۰ مترمربع از پلاک ۸۸۸ فرعی از ۱۳۷ اصلی از مالکیت رضاعلی مختاری ذیل صفحه ۱۶۱ دفتر ۳۴۷ قطعه ۱۲۹ تفکیکی واقع در کردان حوزه ثبت ملک ساوجبلاغ استان البرز تایید و رای هیئت صادر گردیده نوع کاربری ملک باغ مسکونی می باشد. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۴۲۷۵۵ نوبت دوم: ۲۸ خرداد ۱۴۰۴ اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ



جان‌پیرو گاسپرینی به عنوان سرمربی جدید رم انتخاب شد.

گاسپرینی یکی از موفق‌ترین مربیان ایتالیایی در سال‌های اخیر بوده است. او در آتالانتا روزهای درخشانی را رقم زد و این تیم را فصل قبل به قهرمانی لیگ اروپا رساند. او بعد از کسب سهمیه لیگ قهرمانان اروپا با آتالانتا تصمیم به رفتن به تیم رم گرفت و با قراردادی تا سال ۲۰۲۸ سرمربی جالوروسی شد. گاسپرینی ۶۷ ساله از تابستان ۲۰۱۶ هدایت آتالانتا را بر عهده داشت و اکنون در پایان فصل ۲۰۲۵-۲۰۲۴ از این تیم جدا شد. این تیم در این بازه زمانی سه بار در مسابقات سری آ سوم شد و سه بار به فینال جام حذفی رسید و عنوان قهرمانی لیگ اروپا را با شکست دادن بایرلورکوزن به دست آورد. او همچنین در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به عنوان بهترین مربی فصل لیگ ایتالیا شناخته شد.

استقلال در فصلی که گذشت زیر ذره بین «دنیای هوادار»

از سقوط آزاد تا رستگاری در جام حذفی



حسن صانعی‌پور

بهانه‌هایی می‌گشت که توانایی‌های فنی او را تحت الشعاع قرار داده بود. او در طول حدود هجده ماه حضور خود در استقلال بعضی از ارکان باشگاه را دشمن خود تلقی کرده و به همین دلیل بیشتر از آنکه به مسائل فنی بپردازد، مجبور بود با حواشی ریز و درشتی مبارزه کند. استقلال فصل بیست و چهارم را با جواد نکونام به بدترین شکل ممکن آغاز کرد؛ «سه شکست در شش هفته ابتدایی و واگذاری نتیجه دربی پایان کار جواد نکونام در استقلال بود».

سهراب بلاتکلیف

سهراب بختیاری زاده بیشتر از آنکه سرمربی موقت استقلال باشد، مُسکنی برای فروکش کردن التهاب سکوها بود. او با بلاتکلیف‌ترین شکل ممکن روی نیمکت استقلال آن هم در دو مرحله نشست و یک دوره کوتاه دستیاری موسیمانه را نیز تجربه نمود و سپس از این تیم جدا شد. با این حال بختیاری‌زاده در بدو ورود برابر تیم بحران زده هوادار قرار گرفت و توانست این تیم را شکست دهد، اما شکست سنگین برابر ذوب آهن باعث شد دوباره موجی از انتقادات استقلال و مدیریتش را فرا گرفته تا سران این باشگاه بدنبال سرمربی خارجی باشند. بختیاری زاده پس از اخراج موسیمانه نیز دوباره در قامت سرمربی موقت سکان هدایت آبی‌پوشان را در دست گرفت. بزرگترین دستاورد استقلال با بختیاری زاده پیروزی برابر اریان و صعود به عنوان تنها نماینده ایران در مرحله یک هشتم نهایی لیگ نخبان آسیا بود. او پس از برتری برابر نساجی مازندران در لیگ برتر از هدایت تیم فوتبال استقلال کنارت رفت.

توریستی به نام موسیمانه

موسیمانه که ظاهراً کارنامه‌ای موفق در فوتبال باشگاهی آفریقا داشت با تصمیم عجولانه سمیعی و کادر مدیریتی وی در رأس کادرفنی آبی‌پوشان قرار گرفت. شاید او نمی‌دانست با ورود به باشگاه مقرون به بحران استقلال سر در دهان شیر کرده است. موضوعی که خیلی زود متوجه آن شد و در مصاحبه‌ای در مورد آن هشدار داد: «استقلال به دنبال سومین سرمربی است». با این حال مرد آفریقایی استقلال، توریستی بود که جذابیت‌های تهران و ایران بیشتر از سرنوشت استقلال برایش مهم بود. موسیمانه با استقلال موفق شد برابر فولاد خوزستان به یک پیروزی مهم دست پیدا کند، اما پس از آن نوار مساوی‌ها شروع شد تا جایی که این تیم در چهار بازی متوالی در لیگ متوقف شد. موسیمانه که فهمید در استقلال کاری از پیش نمی‌برد؛ تمرینات آبی‌پوشان را به بهانه‌های مختلف تعطیل می‌کرد و به همین دلیل خیلی زود حمایت هواداران را از دست داد.

انتخاب یک مسیر نادرست باعث شده است تا استقلال تهران با وجود داشتن پیشینه پُرافتخار در سراسر سقوت قرار بگیرد. جریانی که از درون باشگاه شروع شده و به افکار هواداران و پیشکسوتان نیز نفوذ کرده است. این درحالی است که این باشگاه هرساله هزینه‌های هنگفتی را صرف خرید بازیکن و مربی کرده و سرمایه‌های خود را براحتی از دست می‌دهد. نمونه آن را باید در کوچ تاریخی بازیکنان کلیدی این تیم در انتهای فصل شانزدهم ملاحظه کرد. هنوز هم دوستداران فوتبال ایران متوجه فلسفه جذب بازیکنانی چون محمد محبی و مهدی قائدی به صورت قرضی و جدایی زودهنگام آنان نشد. کسی نفهمید جدایی بازیکنانی چون الهیار صیادممنش و امید نورافکن چه نفعی به باشگاه استقلال رساند. با این حال زخم کهنه استقلال در دو فصل اخیر چرکین شده و در فصل بیست و چهارم نفس آنان را به شماره انداخته است. در ادامه نگاهی به اوضاع و احوال باشگاه استقلال در فصل گذشته خواهیم انداخت:

تابستان جنجالی

آبی‌پوشان بیشتر از آنکه بدنبال تقویت خود در فصل نقل و انتقالات تابستانی باشند، درگیر گل آفاسیدی شدند که حریف سنتی آنان را قهرمان لیگ بیست و سوم کرده بود. تابستانی جنجالی که با قهر پنهان سرمربی آغاز شده و با خرید عجیب چند بازیکن بوسنیایی ادامه و در نهایت با ضعیف‌ترین تدارک به پایان رسید. تابستانی که استقلال را درگیر حواشی گوناگون نموده و در نهایت با آماده‌سازی ضعیف به لیگ بیست و چهارم رساند. تابستانی که بازیکنان برحسب نیاز جذب نشدند و با استخدام چند جوان جویای نام که صرفاً لیست آبی‌پوشان را پُر کردند، به انتها رسید. نکته جالب درخصوص نقل و انتقالات تابستانی استقلال را باید تقابل بی‌دلیل سرمربی با مدیریت درخصوص جذب بازیکنان تلقی کنیم که باعث شد این تیم در طول فصل فقدان یک بازیکن خلاق و بازیساز را حس کند.

جوادیهانه‌گیر

قبل از حضور جواد نکونام در استقلال تهران بسیاری او را بهترین مربی نسل جدید مربیان ایران می‌دانستند، اما این مربی جوان که موفق شده بود نساجی مازندران را به لیگ برتر بیاورد و دو عملکرد متفاوت در فولاد خوزستان داشت، زودتر از آنچه تصور می‌شد از استقلال رفت و فعالیت او در فوتبال ایران متوقف شد. در حقیقت جواد نکونام بیشتر از آنکه در اندیشه استفاده از موقعیت طلایی خود باشد، بدنبال

استقلال انتخاب شدند. سه جریان فکری متفاوت که در دو فصل اخیر مسیر حرکت استقلال را متزلزل کرده بود. با این حال آبی پوشان در نقل و انتقالات تابستان گذشته نیز بسیار ناهمگون مبادرت به جذب بازیکن کردند. در حقیقت ظرف استقلال در این تابستان پُر شد اما نیاز آنان در نقاط گوناگون هرگز برطرف نگردید. آنان حتی در پنجره زمستانی نیز احساسی عمل کردند. آندونگ، کاکوتا، زکی‌پور، اسلامی، فلاح، کوشکی، شرفی، سعداوی و زمانی و رامین رضاییان بهترین خریدهای تابستانی استقلال بودند. آن طرف در زمستان ۱۴۰۳ بازیکنانی چون سهرابیان، کوچو، مهران احمدی، آزادی، ذلیخایی، جوما و حردانی به استقلال پیوستند و رضایی، کاکوتا، مهدی‌پور، فلاح، بلانکو، زکی‌پور و عباس شرفی از آنان جدا شدند.

سقوط آزاد در لیگ

بدیهی است که استقلال در لیگ بیست و چهارم سقوط آزاد داشت و حتی تا مرحله سقوط به لیگ دسته یک نیز پیش رفت! سران این باشگاه تعویض‌های پی در پی مربیان را چاره کار دانسته و در این خصوص نیز رکورد ایران را زدند. اما مشکل استقلال و حتی دیگر باشگاه‌های ایران که به تلنگری دچار بحران می‌شوند، نه بازیکن است و نه سرمربی. مشکل در عدم پرداختن صحیح به مقوله مهمی چون فوتبال است. درواقع، تلخی بی‌پایان هواداران استقلال در سالی که گذشت باعث شد تا کاملاً نسبت به تیم خود ناامید شوند و حتی شعارهای انتقادی کمتری نیز سردانند، زیرا که بدرستی متوجه شده‌بودند مشکل از کجاست؟ «تا هنگامی که نظام باشگاهداری در ایران درست نشود نباید منتظر بهبودی اوضاع بود».

رستگاری در جام حذفی

با این حال دست تقدیر برآن شد تا کام هواداران استقلال در انتهای فصل شیرین شود. یک قرعه مناسب و چند بازی انتهای فصل که تبدیل به تدارک ویژه آبی‌پوشان شده بود به علاوه تدبیر ویژه مجتبی جباری روز هشتم خرداد را برای دوستداران متعصب این تیم تاریخی کرد. در حقیقت هشت شاکی استقلال در هشتمین روز خرداد، هشتمین جام حذفی را برای آبی‌پوشان بدست آورد تا این تیم فصل فاجعه بار خود را به بهترین وجه ممکن به پایان برساند. گفتنی است؛ استقلال در جام حذفی با پیِتسو موسیمانه استارت زد، با سهراب بختیاری‌زاده ادامه داد و به همراه مجتبی جباری به سرمنزل مقصود رسید.

فاجعهٔ بوژوویچ

شب دربی برگشت و درحالی که بلیط میودراگ بوژوویچ برای بازگشت به کشورش اوکی شده بود، سران استقلال با او قرارداد بسته تا آبی‌پوشان در مبهم‌ترین وضعیت، مهم‌ترین بازی فصل خود را آغاز کنند! «کسی متوجه نشد ترکیب دیدار دربی را او رنج کرده یا مربیان دیگر استقلال». بوژوویچ بعد از شکست در شهرآورد در دو دیدار مهم مقابل النصر سکان دار استقلال بود تا با یک تساوی و یک شکست از گردونه لیگ نخبان آسیا خارج شود. او در آخرین دیدار سال ۱۴۰۳ برابر ذوب آهن تن به تساوی داد تا به این صورت همچنان در حسرت برد با استقلال بماند و سال را به پایان برساند. در حقیقت تیم تحت هدایت میودراگ بوژوویچ پیش از بن‌بست تاکتیکی، در بن‌بست روحی گیر افتاده بود.

بازگشت با هشت شاکی

جباری که تحت عنوان دستیار بوژوویچ به استقلال بازگشته بود و از شواهد و قرائن نیز مشخص بود در زمان این سرمربی اختیارات اندکی داشته است، پس از تساوی عجیب با هوادار به عنوان فرد اول نیمکت آبی‌پوشان انتخاب شد. در حقیقت آبی‌پوشان با جباری بازگشتی دوباره داشتند و به جز یک شکست در تمامی دیدارهای انتهای فصل موفق نشان دادند. این سرمربی با استقلال طی شش دیدار رسمی در سی و پنج روز، چهار برد، یک مساوی و یک باخت بدست آورد. آنچه در دوران کوتاه هدایت جباری در استقلال بیشتر مورد توجه بود، آرامش و ایجاد انگیزه‌ای بود که باعث شده بود بازیکنان این تیم با روحیه مضاعفی وارد زمین شده و با توجه به هدفگذاری آنان برای فتح جام حذفی، موفق شدند به این مهم دست یابند. تیم جباری مجموعاً ده گل به ثمر رساند و چهار بار دروازه‌اش باز شد. آنان فقط دروازه چادرملو را باز نکردند و البته چهار کلین‌شیت را به ثبت رساندند.

مدیریت و نقل و انتقالات

اشتباه نخست در اداره و مدیریت باشگاه استقلال را مالک این باشگاه مرتکب شد. آنان در دوران مالکیت خود هرگز موفق نشدند ترکیبی مناسب برای مدیریت باشگاه انتخاب کرده و استقلال دست به دست در حساس‌ترین مقاطع فصل، شرایط جدیدی را تجربه کرد. در حقیقت بعد از خروج علی خطیر، فرشید سمیعی صدلی مدیریت را در اختیار گرفت. سپس سمیعی و شهریار از بدنه مدیریت استقلال خارج گردیده و نظری جویباری و تاجرنیا به عنوان مدیرعامل استقلال و نماینده تام‌الاختیار هلدینگ در





■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ چاپ: کهن



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

سه شنبه ۱۳ خرداد
۱۴۰۴ شمارهگان ۱۸۲۷

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

گزارش تصویری

بزرگداشت ارتحال حضرت امام خمینی (ره) و قیام خونین ۱۵ خرداد

سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج همزمان با سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره) و سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد نسبت به فضاسازی شهر در مناطق ۱۰ گانه اقدام کرده است.

